

هفت سازه آبی محله

موضوع: قنات‌های ده‌ونک
ویژگی: تأمین آب شرب مورد نیاز اهالی

حفر قنات در روستای خوش آب و هوای ونک، هدیه یکی از صدراعظم‌های ناصرالدین شاه، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک بود. در واقع نخستین قناتی که آب آن از دل رشته کوه‌های البرز سرچشمه می‌گرفت در املاک این مرد نیکوکار در ده ونک حفر شد. این قنات‌ها آب را از بالادست به سمت این روستا روانه می‌کردند و بعد از آبیاری مزارع و باغ‌ها به سمت امیرآباد روانه می‌شدند. به گفته قدیمی‌ها، در روستای خوش آب و هوا ۷ رشته قنات حفر شد که به واسطه آنها باغ و مزارع پر محصول شدند و آب شرب اهالی تأمین شد. ابوالقاسم امیری نیکو از ریش سفیدان ده ونک، از قنات‌های معروف این روستا چنین یاد می‌کند:



■ قنات خوئییک: خوئییک از نخستین قنات‌های حفر شده در ده ونک بود. این قنات متعلق به خانواده «کارن وفاداری» از نوادگان خاندان فیروزگر است. باغ خوئییک آخرین باغ ده ونک است که آب این قنات از محدوده زندان اوین عبور می‌کند. آب این قنات که به سمت باغ خوئییک در حوالی شهرک آتی‌ساز روانه می‌شود، جزو قنات‌های زنده ده ونک محسوب می‌شود.

■ قنات باغ بالا: این قنات در محل باغ ایرانی امروز در ده ونک حفر شد و تقریباً تا ۱۵-۱۰ سال پیش آب آن جاری بود و به سمت استخری در ده ونک هدایت می‌شد، اما امروزه به دلیل ساخت و سازهای فراوانی که در این محدوده صورت گرفته خبری از این قنات قدیمی که به سمت باغ ایرانی روان بود، نیست و خشک شده است.

■ قنات کوچیکه باغ نو: آب این قنات از منزل آقای زاهدی سرچشمه می‌گرفت؛ محل اصلی پایین‌تر از کوچه مجیدپور، کوچه زاهدی قرار داشت. قنات تا ۵.۴ سال پیش قابل رویت بود، اما به دلیل ساخت و سازهای جدید زیر زمین جاری است.

■ قنات چمن: منبع این قنات پایین میدان ده ونک، حوالی درمناگاه بود.

■ قنات خانمی: این قنات متعلق به خاندان فیروزگر بود. مکان قنات خانمی در میدان شمال شرقی میدان شیخ بهایی، ابتدای خیابان ستول واقع شده بود که امروز محل بانک ایران و نژوفلا است.

■ قنات توستان: این قنات در محدوده باغچه حصار قرار داشت. آب این قنات به سمت بزرگراه چمران امروزی هدایت می‌شود.

■ قنات مقبره: این قنات در شمال امامزاده قاضی الصابر بود.



موضوع: ونک خاوری و ونک باختری

ویژگی: هویت‌های جذاب و متفاوت بخش محله



ماجرای هیجان‌انگیز خیابان برعکس

ونک در گذشته از ۲ بخش تشکیل شده بود. بخش شرقی یا ونک خاوری و بخش غربی یا ونک باختری؛ بخش‌هایی با هویت‌های متفاوت که در صفحات تاریخ تهران از آنها یاد شده است. یکی از محله‌هایی که آرامنه در تهران برای نخستین بار در آنجا ساکن شدند، ده ونک بود که به آن محله آرامنه هم می‌گفتند. مهرشاد کاظمی، تهران‌پژوه می‌گوید: «ونک خاوری (شرقی) را ونک آرامنه می‌نامیدند و قلعه‌ای داشت که جایی برای ارمنی‌های کوچنده (مهاجر) بود. در زمان محمدشاه قاجار، به خواست وزیر او، میرزا آغاسی، سیزده خانوار ارمنی از چهار محال و بختیاری به ده ونک کوچانده شدند تا با کشت و زرع، علوفه سربازان دولتی را تأمین کنند. برای اسکان آنها نیز دژ و قلعه ساخته شد.»

هر چند سال‌هاست این قلعه از بین رفته و اثری از آن باقی نیست، اما گستره آن از باختر خیابان ستول کنونی تا خاور بزرگراه کردستان را در برمی‌گرفت. این قلعه حیاط مرکزی و ۴ برج داشت. اکنون باشگاه آارات کنونی در جایی ساخته شده است که پیش‌تر زمین‌های قلعه بود. کاظمی ادامه می‌دهد: «بخش باختری هم همان ده ونک فعلی است که آن را می‌شناسیم و هنوز مانند گذشته تاریخ و هویت قدیمی‌اش را حفظ کرده است.» کاظمی در ادامه می‌گوید: «ساخت جاده تهران-کرج را سال ۱۳۴۱ آغاز کردند و ۴ سال بعد به اتمام رسید. بعد از اتمام ساخت جاده تهران-کرج، ساخت بزرگراه چمران (پارکوی سابق) و بزرگراه مدرس (شاهنشاهی سابق) شروع شد. بعدها در این محدوده لونا پارک و شهرپارک ساخته شد. راهی که از بزرگراه چمران به لونا پارک منتهی می‌شد و قبلاً به آن جاده اوین به ونک می‌گفتند، همیشه پر از خودروی پارک شده بود که منتظر بودند سربالایی را با دنده خلاص بروند! این خیابان به خیابان برعکس تهران معروف بود؛ چرا که یک سرازیری داشت نه سربالایی و گفته می‌شد این اشتباه بر اثر خطای دید و ترفند مهندسی است. همچنین شایع بود که وقتی گله گاواهالی ونک از این قسمت رد می‌شوند، حالت نیمه‌وحشی پیدا می‌کنند و بالا و پایین می‌پرند. بدین ترتیب، انواع و اقسام حدس‌های عامیانه در این باره مطرح می‌شد که در هر صورت برای افرادی نوعی سرگرمی بود.»



ساخت برج آفتاب در جاخرمنی

محدوده یوسف‌آباد تا ده ونک تا دوره قاجار جزو اراضی مستوفی‌الممالک بود و کشاورزان با رعایت قانون ارباب و رعیتی در باغ‌ها و کشتزارهای وسیع مستوفی‌امرا معاش می‌کردند. در فصل برداشت محصول شور عجیبی در ده ونک به راه می‌افتاد و کشاورزانی که جو و گندم برداشت کرده بودند برای آسیاب کردن محصولشان در صف‌های طولانی می‌ایستادند. تا دوره قاجار ۲ مکان برای آسیاب جو و گندم وجود داشت؛ یکی آسیاب گلومیشی در یوسف‌آباد و دیگری جایی در محله ارمنی‌نشین ده ونک که با گذشت زمان به واسطه وجود انبوه خرمن‌های گندم به «جاخرمنی» معروف شد. سورن یوسفیان از ساکنان قدیمی محله آارات معتقد است جاخرمنی بخشی از هویت محدوده اطراف ده ونک بوده که

با گذشت زمان فراموش شده و امروز هیچ اثری از آن باقی نمانده است. او در این باره می‌گوید: «کشتزارهای محدوده اطراف ده ونک از خیابان ۴۸ یوسف‌آباد شروع می‌شد و تا بالای ده ونک امتداد پیدا می‌کرد. فصل برداشت گندم که می‌شد رعیت‌ها یا همان کشاورزان، محصولشان را رویه‌روی قلعه آرامنه می‌آوردند و به قول معروف گندم‌ها را می‌کوبیدند. در این مکان، گندم را با تیغه‌های بزرگ می‌کوبیدند و بعد هم با بیل و چنگک‌های مخصوص، محصول را در معرض باد قرار می‌دادند تا گندم از پوسته جدا شود. دست آخر خرمن‌های گندم و پوسته گندم را به‌عنوان کاه بسته‌بندی می‌کردند. سهم مستوفی به‌عنوان ارباب یک کود و سهم رعیت‌ها یا کشاورزان عمدتاً ارمنی تبار دو کود بود که در محل جاخرمنی تقسیم می‌شد.»

جاخرمنی تا اوایل دوره پهلوی اول میعادگاه تابستانی کشاورزانی بود که طبق قرارداد نانوشته با مستوفی‌الممالک در کشتزارهای او کار می‌کردند و از محل کاشت و برداشت گندم و جو امرا معاش می‌کردند. یوسفیان درباره محل دقیق جاخرمنی می‌گوید:

«جاخرمنی رویه‌روی قلعه آرامنه در تقاطع خیابان‌های وسکانیان و ماهتاب امروزی بود. این محدوده تا دوره پهلوی اول بیابان بود، اما در دوره پهلوی دوم که ساخت و سازها در شمال تهران شروع شد، به کلی تغییر کرد و مملو از خانه‌های مسکونی شد. بعد از پیروزی انقلاب هم برج آفتاب را در محل جاخرمنی ساختند و امروز به‌عنوان یکی از بلندترین برج‌های تجاری تهران شناخته می‌شود.»



موضوع: جاخرمنی

ویژگی: محل تقسیم گندم میان ارباب و رعیت

